

فهرست

۸	فصل اول: کلیات و مباحث نظری
۸	مقدمه
۱۲	۱.۱ پیشینه تحقیق
۱۵	۲.۱ چهارچوب نظری
۲۲	۳.۱ روش پژوهش
ERROR!	شیوه استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف در این پژوهش
	BOOKMARK NOT DEFINED.
ERROR!	فصل دوم: گونه‌شناسی جنبش‌های اسلامی
	BOOKMARK NOT DEFINED.
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	۱.۲ جریان اسلام سنتی محافظه‌کار
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	۲.۲ جریان اسلام اصلاح‌طلب
ERROR! BOOKMARK NOT	۳.۲ جریان اسلام سلفی و تنوعات درونی آن
	DEFINED.
ERROR!	۴.۲ جریان سلفی تکفیری فکری _ ایدئولوژیک (مدرسه‌ای)
	BOOKMARK NOT DEFINED.
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	۵.۲ جریان سلفی سیاسی
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	۶.۲ جریان سلفی تکفیری _ جهادی

۷.۲ جریان تجددگرایان اسلامی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

فصل سوم: تحلیل گفتمان جمهوری اسلامی در خصوص جنبش‌های اسلام‌گرا ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱.۳ گفتار اول: جنبش‌های اسلام‌گرا در گفتمان نویسندگان قانون اساسی ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱.۱.۳ توصیف، متن قانون اساسی درباره جنبش‌ها Error!
Bookmark not defined.

۲.۱.۳ تفسیر متن قانون اساسی Error! Bookmark not defined.

۳.۱.۳ تأثیرپذیری از متون جنبش احیای اسلام Error!
Bookmark not defined.

۴.۱.۳ بازتفسیر مفاهیم قرآنی و قواعد فقهی و تأثیر آن بر نوع نگرش به جنبش‌ها Error! Bookmark not defined.

۵.۱.۳ مفاهیم و آموزه‌های دینی Error! Bookmark not defined.
۱.۵.۱ مستضعفین و مستکبرین Error! Bookmark not defined.

۲.۵.۱ اصل نفی ظلم و ظلم‌پذیری Error! Bookmark not defined.

۳.۵.۱ اصل نفی سبیل Error! Bookmark not defined.

۴.۵.۱ اخوت اسلامی Error! Bookmark not defined.

۵.۵.۱ تولی و تبری Error! Bookmark not defined.

۶.۵.۱ تألیف قلوب Error! Bookmark not defined.

۷.۵.۱ اصل دعوت Error! Bookmark not defined.

۸.۵.۱ حفظ دارالاسلام Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۵. ۹ جهاد و اصل اولویت صلح
Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۶ قواعد فقهی تعدیل‌کننده Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۶. ۱ قاعده تقدم اهم بر مهم Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۶. ۲ قاعده مصلحت Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۶. ۳ قاعده ضرورت (اضطرار) Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۷ ذهنیت‌ها و پیش‌فرض‌های مختلف نمایندگان مجلس

خبرگان تدوین قانون اساسی در بحث چگونگی حمایت از

جنبش‌های اسلامی Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۸ تبیین متن قانون اساسی: بررسی بافت موقعیتی و

زمینه‌های تاریخی گفتمان قانون اساسی در خصوص

جنبش‌ها Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۹ منازعات بین ناسیونالیست‌ها و انترناسیونالیست‌ها در

ایران Error! Bookmark not defined.

۳. ۱. ۱۰ حفظ و تقویت اسلام سیاسی در مقابل تهدیدات نظام

بین‌المللی Error! Bookmark not defined.

۳. ۲ گفتار دوم: جنبش‌های اسلام‌گرا در گفتمان امام خمینی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۳. ۲. ۱ متن سخنان امام خمینی در خصوص جنبش‌ها Error!

Bookmark not defined.

۳. ۲. ۲ توصیف متن سخنان امام خمینی درباره جنبش‌ها Error!

Bookmark not defined.

۳. ۲. ۳ تفسیر متن سخنان امام خمینی: زیرساخت‌های

استدلالی امام در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش Error!

Bookmark not defined.

فهرست ۶

۴. ۲. ۳ نسبت رویکرد انتقادی امام به نظام بین‌الملل با رویکرد

او به جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*

۵. ۲. ۳ اندیشهٔ تقابل مستضعفان و مستکبران و تأثیر آن در

رویکرد امام به جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*

۶. ۲. ۳ نگرش دینی — سیاسی امام خمینی به جهان اسلام و

وحدت مسلمین و تأثیر آن در نوع رویکرد ایشان به

جنبش‌های اسلام‌گرا *Error! Bookmark not defined.*

۷. ۲. ۳ تفکر «اسلام امریکایی و اسلام ناب» به عنوان معیار

حمایت از جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*

۸. ۲. ۳ تبیین بافت موقعیتی و بستر عینی شکل‌گیری گفتمان

امام خمینی در خصوص جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*

defined.

۹. ۲. ۳ تقویت گفتمان انقلابی حمایت از جنبش‌ها معطوف به

پیشبرد آرمان صدور جهانی انقلاب اسلامی *Error!*

Bookmark not defined.

۱۰. ۲. ۳ تجربهٔ عملی از نوع مواجههٔ جنبش‌های اسلام‌گرا با

انقلاب اسلامی ایران در دههٔ اول *Error! Bookmark not defined.*

defined.

۱۱. ۲. ۳ جنبش اخوان‌المسلمین و انقلاب ایران *Error! Bookmark not defined.*

not defined.

۱۲. ۲. ۳ جنبش‌های سلفی — جهادی و نوع مواجههٔ آن‌ها با انقلاب

ایران *Error! Bookmark not defined.*

۱۳. ۲. ۳ جنبش‌های شیعی در منطقه و نوع تعامل آن‌ها با

انقلاب ایران *Error! Bookmark not defined.*

۳. ۳ گفتار سوم: جنبش‌های اسلام‌گرا در گفتمان آیت‌الله
خامنه‌ای **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
۳. ۳. ۱ متون مرتبط با جنبش‌ها در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای
Error! Bookmark not defined.
۳. ۳. ۲ توصیف متون مذکور *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۳ تفسیر متن: فهم زیر ساخت‌های استدلالی آیت‌الله
خامنه‌ای در خصوص جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۴ دغدغه‌های ضداستعماری و آزادی‌بخشی در آثار و متون
نگاشته‌شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۵ الگوی تحلیلی آیت‌الله خامنه‌ای از نظام بین‌الملل و
جایگاه جنبش‌ها در آن *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۶ تبیین متن گفتمان: بررسی بافت موقعیتی و زمینه‌های
تاریخی گفتمان در خصوص جنبش‌ها *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۷ مقابله با تداوم خصومت‌های امریکا با انقلاب اسلامی
ایران *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۸ تجربه روابط جریانات سیاسی اسلام‌گرا با جمهوری
اسلامی ایران *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۹ فرازونشیب روابط جنبش اخوان‌المسلمین با جمهوری
اسلامی ایران *Error! Bookmark not defined.*
۳. ۳. ۱۰ تجربه چالش‌های جنبش‌های سلفی _ جهادی _
تکفیری با جمهوری اسلامی ایران *Error! Bookmark not defined.*

فهرست ۸

۳. ۳. ۱۱ روابط جنبش‌های شیعی با جمهوری اسلامی ایران *Error!*

Bookmark not defined.

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

نتیجه‌گیری

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

منابع

فصل اول

کلیات و مباحث نظری

مقدمه

نوع مواجهه با جنبش‌های اسلام‌گرا یکی از مسائل مهم نظری در بین جریان‌ات انقلابی در ایران بود که با پیروزی انقلاب وارد مرحله جدیدی شد. اصولاً بخش مهمی از انقلابیون در ایران همواره احساس شیفتگی خود را به این جنبش‌ها به عنوان کارگزاران پیشبرد اسلام سیاسی در منطقه و جهان و عقبه مهم انقلاب اسلامی در منطقه بیان می‌کردند و بخش مهمی از آثار منتشرشده قبل از انقلاب به طرفداری از این جنبش‌ها به صورت خاص و کل جنبش‌های آزادی‌بخش به صورت عام اختصاص داشت. و درمقابل نیز با پیروزی انقلاب بخش مهمی از رهبران این جنبش‌ها حمایت خود را از انقلاب ایران اعلام کردند و برخی نیز ارتباطات گرمی را با انقلابیون ایران آغاز کردند که این امر احساس شیفتگی و حمایت از این جنبش‌ها را در فضای ایران بعد از انقلاب پررنگ‌تر کرد؛ به طوری که در ماه‌های بعد از انقلاب و هنگام تدوین قانون اساسی، بحث چگونگی حمایت از این جنبش‌ها، به عنوان عقبه استراتژیک جنبش اسلام سیاسی در ایران، یکی از مباحث مهم خبرگان

قانون اساسی بود که در نهایت حمایت از آن‌ها شکلی قانونی در ایران به خود گرفت. چنان‌که در مقدمهٔ قانون اساسی به ضرورت گسترش روابط با جنبش‌های اسلامی و مردمی به عنوان زمینه‌ساز راه تشکیل امت واحد جهانی تأکید شده و حمایت‌ها و ارتباط با این جنبش‌ها از جمله سیاست‌های مدون در جمهوری اسلامی است.

اما در عمل، روابط و تعامل جمهوری اسلامی ایران با جریانات اسلام‌گرا طی چهار دههٔ گذشته پُرفرازونشیب بود است و وضعیت یکسان و حمایت‌آمیز دائمی را نداشته و تنش‌ها و حتی درگیری‌های مختلفی را با این جنبش‌ها تجربه کرده است؟ از جمله بعد از انقلاب روابط با بخشی از نیروهای وابسته به اخوان‌المسلمین، که شعارشان اجرای شریعت است، مطلوب نبوده است و روابط با جریانات سلفی، که از استقرار حکومت دینی دفاع می‌کنند، به شدت متشنج بوده و حتی در مراحل به سطح درگیری نظامی رسیده است. همچنین حمایت ایران از گروه‌های سیاسی شیعی نیز در برخی موارد با اولویت‌بندی‌هایی همراه بوده است. جمهوری اسلامی در کل نوعی مواجههٔ گزینشی را با این جنبش‌ها پیگیری کرده است؛ لذا مسئلهٔ این پژوهش تبیین چرایی تحول مواجههٔ جمهوری اسلامی با جریان‌های اسلام‌گرا و درک منطق نظری این مواجهه است.

برای تبیین این مسئله در این پژوهش می‌توان با رویکردهای مختلفی به آن پرداخت که یکی از آن‌ها رویکرد گفتمانی به این مسئله است. اصولاً اگر عمل سیاسی را تحت تأثیر گفتمان سیاسی بدانیم و گفتمان سیاسی را نیز

مدلول نوعی تلقی متفکران و رهبران جمهوری اسلامی از واقعیت‌های سیاسی تلقی کنیم، شناخت این گفتمان می‌تواند از یک سو تحلیل مناسبی از نوع نگاه و رویکرد جمهوری اسلامی به جنبش‌های اسلامی ارائه کند و از سوی دیگر می‌تواند چرایی این تفاوت‌های نظری و عملی در مواجهه جمهوری اسلامی با جنبش‌های مختلف اسلام‌گرا را تبیین کنید.

مبتنی بر این رویکرد، سؤال اصلی این پژوهش این است: گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش‌های اسلامی طی چهار دهه گذشته چه ویژگی‌هایی داشته و چگونه شکل گرفته است؟

برای پاسخ به این سؤال اصلی به سؤالات فرعی مختلفی نیز باید پاسخ داد از جمله گفتمان جمهوری اسلامی ایران در خصوص جنبش‌ها چه ویژگی‌هایی داشته است؟ چه پیش‌فرض‌ها و زمینه‌های دانشی این گفتمان را شکل داده است؟ این گفتمان تحت تأثیر چه بافت موقعیتی و زمینه‌های اجتماعی سیاسی بوده است؟ این گفتمان چه الزاماتی را بر نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های سیاسی در جهان اسلام موجب شده است؟

مدعا و فرضیه این پژوهش این است که اصولاً حمایت از جهان اسلام و جنبش‌های اسلام‌گرا هر چند مورد پذیرش اکثریت نیروهای انقلابی بود، بخش مهمی از نیروهای فکری انقلاب به دلیل ویژگی‌های مذهبی و کلامی و فقهی و تجربه تاریخی و همچنین اولویت‌بندی‌های ملی و فراملی همواره بر حمایت محدود و مشروط از این جنبش‌ها در متن قانون اساسی تأکید کردند. و در سال‌های بعد نیز این رویکرد تحت تأثیر

گفتمان رهبران انقلاب رویکردی گزینشی و مشروط و معطوف به مصالح و سیاست‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اصولاً این پژوهش دو هدف مهم را دنبال می‌کند: ۱. شناخت جامع‌تر و عمیق‌تر از گفتمان موجود در جمهوری اسلامی در قبال نحوه مواجهه با جنبش اسلام‌گرای سیاسی مصر؛ ۲. تحلیل چرایی اصطکاک و چالش بین بخش مهمی از جنبش‌های اسلامی و جمهوری اسلامی ایران.

اما اهداف فرعی این پژوهش را می‌توان شناخت بنیان‌های نظری و بافت بینامتنی و بافت موقعیتی تدوین و شکل‌گیری گفتمان مذکور، توصیف، تفسیر و تبیین دلایل تفاوت مواضع جمهوری اسلامی در قبال جنبش‌های سیاسی جهان اسلام و در نهایت کمک به تقویت بنیان‌های نظری و اجماع‌سازی در سیاست خارجی در مواجهه با گروه‌های اسلام‌گرا در جهان ذکر کرد.

و در نهایت درباره ضرورت انجام‌دادن این پژوهش باید افزود که این اثر پژوهشی می‌تواند به شناخت گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته در قبال این جنبش‌ها و رسیدن به شناخت دقیق‌تری از علل تفاوت در مواضع و رفتارهای جمهوری اسلامی در قبال این جنبش‌ها کمک کند. و به انسجام سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر اجماع گفتمانی و دوری از اقدامات و رفتارهای پراکنده در عرصه سیاست خارجی کمک کند.

۱.۱ پیشینه تحقیق

درباره جنبش‌های اسلامی، آثار زیادی در ایران منتشر شده است. موج اول این آثار قبل از انقلاب و در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ شکل گرفت، موج دوم عمدتاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گسترش یافت و موج سوم بعد از بیداری اسلامی (بهار عربی) و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در چند کشور عربی مخصوصاً در مصر و تونس مطرح شد که اقدامات گروه‌های تکفیری و ظهور القاعده و داعش و... این مباحث را تقویت کرد. این آثار در چند سطح مطرح شده است. بخش مهمی از آن‌ها به بحث علل شکل‌گیری و یا ماهیت جنبش‌های اسلامی و گونه‌شناسی آن‌ها پرداخته‌اند که این مقالات و کتاب‌ها هر چند مورد استفاده این پژوهش بوده است، پیشینه مقدماتی برای مسئله اصلی این پژوهش محسوب می‌شوند که در منابع به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

سطح دوم آثاری است که به صورت مشخص به مسئله این پژوهش، یعنی بررسی رابطه ایران با این جنبش‌ها، پرداخته است که در این پژوهش با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط (جنبش‌های اسلامی، اسلام‌گرایی، نهضت اسلامی، اخوان المسلمین، سلفی، شیعیان و...) از بانک‌های اطلاعاتی فارسی‌زبان همچون مگ ایران، نور مگز و پرتال جامع علوم انسانی و ایران‌داک این منابع بررسی شده و حجم چشم‌گیری از آثار را می‌توان مشاهده کرد. برخی از این پژوهش‌ها رویکردی کلان و برخی رویکردی موردی به موضوع داشته‌اند. اگر جنبش‌های مهم اسلام‌گرا را در سه جریان اخوانی و سلفی و

شیعی تقسیم‌بندی کنیم، در مورد روابط هر یک از این جریان‌ها با جمهوری اسلامی ایران مقالاتی نگاشته شده است. اولین بخش از این پژوهش‌ها شامل آثار مرتبط با تعامل جنبش اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی ایران است که بررسی منابع مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد که محققانی که عمدتاً از منظر نظری و فکری به موضوع پرداخته‌اند تأکید کرده‌اند که تشابه‌های فکری زیادی در اندیشه سیاسی اخوان و انقلاب اسلامی وجود دارد. اما محققان دیگری که مواضع عملی اخوان در مقابل جمهوری اسلامی را مطالعه کرده‌اند به تفاوت‌ها و اصطکاک‌های سیاسی و حتی عقیدتی این دو جریان طی چهار دهه گذشته اشاره دارند که مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از (فوزی و پایاب، ۱۳۹۰)، (یزدانی، ۱۳۹۷)، (دهقان باغی، ۱۳۹۷)، (خامه‌یار، ۱۳۷۱)، (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۴)، (خسرو شاهی، ۱۳۸۱)، (آل غفور، ۱۳۹۲)، (خاکی و کشاورز شکری، ۱۳۹۵)، (یزدانی، ۱۳۹۷)، (پورا احمدی میبیدی، ۱۳۹۴)، (سادات، ۱۳۹۴).

دومین بخش آثار مرتبط با تعامل جریان‌ات سلفی با جمهوری اسلامی ایران است که بررسی منابع مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد محققانی که به این بحث پرداخته‌اند بر اختلافات و تعارضات فکری بخش مهمی از جریان سلفی مخصوصاً شاخه سلفی تکفیری با اندیشه‌ها و مواضع فکری جمهوری اسلامی ایران اشاره دارند و گسترش و تقویت این جریان در جهان اسلام را خطری برای انقلاب اسلامی ایران دانسته‌اند. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از (پورحسن، ۱۳۹۴)، (میراحمدی، ۱۳۹۶)،

(ده‌شیری، ۱۳۹۶)، (قزوینی نظم‌آبادی، ۱۳۹۷)، (جم‌شیدی‌ها، ۱۳۹۵)، (بی‌گدلو، ۱۳۹۵)، (کره‌زادی، ۱۳۹۵)، (رفیع، ۱۳۹۴)، (طالبی و ذاکریان، ۱۳۹۴)، (خالقی، ۱۳۹۶)، (زارعان، ۱۳۹۳).

و در نهایت باید به آثار مرتبط با تعامل جریان‌های شیعی با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. بسیاری از محققانی که به موضوع روابط جنبش‌های شیعی با انقلاب ایران پرداخته‌اند این جنبش‌ها را در اغلب موارد هم‌راستا با انقلاب ایران دانسته‌اند، هر چند شرایط محیطی هر یک از این جنبش‌ها موجب شده تا بخشی از اندیشه‌های انقلاب ایران مورد توجه آن‌ها قرار گیرد. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از (محمدی و مهدوی، ۱۳۹۷)، (کوشکی، ۱۳۹۶)، (قاسمی، ۱۳۹۵)، (حیدری، ۱۳۹۴)، (سیدثراد، ۱۳۹۴)، (قلی‌زاده، ۱۳۹۳)، (کامران و متقی، ۱۳۹۲)، (درخشه، ۱۳۹۰)، (طاهری، ۱۳۸۹)، (زیباکلام، ۱۳۸۸)، (عیوضی، ۱۳۹۵)، (کشاورز شکری، ۱۳۹۶)، (یزدانی، ۱۳۹۷)، (مجیدی، ۱۳۹۵)، (فلاح، ۱۳۹۱).

در مجموع این پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ رابطهٔ جنبش‌های اسلامی و جمهوری اسلامی بر وجود اصطکاک‌های گسترده در تعامل بین انقلاب ایران و بخش مهمی از جریان‌های اسلام‌گرای سنی تأکید دارند و جریان‌های شیعی را جریان‌های همسو با ایران می‌دانند. اما در مورد اینکه چرا روابط ایران با این جنبش‌ها شرایط مطلوبی ندارد کمتر سخن گفته شده است که این پژوهش تلاشی برای پاسخ به سؤال و رفع این خلأ و شکاف معرفتی مبتنی بر رویکردی گفتمانی در این موضوع است.

۲.۱ چهارچوب نظری

در این پژوهش تلاش خواهیم کرد تا نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران با جنبش‌های اسلامی در قالب رویکردی گفتمانی مورد مطالعه قرار گیرد. چنان‌که ذکر شد اگر عمل سیاسی را تابعی از گفتمان سیاسی بدانیم و گفتمان سیاسی را نیز مدلول نوعی تلقی متفکران و رهبران جمهوری اسلامی از واقعیت‌های سیاسی تلقی کنیم، شناخت این گفتمان می‌تواند از یک‌سو تحلیل مناسبی از نوع نگاه و رویکرد جمهوری اسلامی به جنبش‌های اسلامی ارائه کند و از سوی دیگر چرایی رفتارهای مختلف جمهوری اسلامی با جنبش‌های مختلف اسلام‌گرا را تبیین کند. بر این اساس، شناخت گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته در قبال این جنبش‌ها می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از علل فرازونشیب تعامل جمهوری اسلامی با جنبش‌های اسلام‌گرا و آینده‌پژوهی روابط ایران با این جنبش‌ها کمک کند.

اصولاً نظریه گفتمان از علوم تفسیری^۱ مانند هرمنوتیک، پدیده‌شناسی، ساختارگرایی و شالوده‌شکنی الهام می‌گیرد (Dallmayr & Mc Cathy, 1977: 132). نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان این ادعای فلسفی است که دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است و ما با کمک زبان بازنمایی از واقعیت را خلق می‌کنیم. مبتنی بر این رویکرد برای فهم واقعیتی به نام «رفتار سیاسی جمهوری اسلامی» باید به زبان و گفتمان سیاسی حاکم بر این نظام سیاسی توجه کرد، زیرا در

۱. interpretative

قالب این گفتمان سیاسی، که تجلی‌کننده نظام معنایی انقلاب اسلامی است، نوع رویکرد و راهبردها به جنبش‌های سیاسی – اجتماعی در جهان اسلام شکل گرفته و قابل تفسیر است. بر این اساس با شناخت عناصر این گفتمان می‌توان درک مناسب‌تری از لایه‌های زیرین و رفتارهای منتج از آن را در خصوص جنبش‌ها تفسیر کرد.

رویکردهای گفتمانی ابتدا در عرصه زبان‌شناسی و سپس حول تفسیر متن‌های ادبیاتی و فلسفی مطرح شد. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف، زلیک هریس، به کار رفته است. زبان‌شناسان در بحث تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی تحلیل واحدهای بزرگ‌تر از جمله تعریف می‌کند. دوم، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده زبان می‌داند. دیدگاه اول را، که به شکل و صورت متن توجه می‌کند، ساختارگرا و دیدگاه دوم را، که به کارکرد متن توجه دارد، کارکردگرا می‌نامند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگ‌تر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها برمی‌شمرد. دیدگاه دوم تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹).

اما در مدت‌زمان تقریباً بیست‌ساله، این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی به همت متفکرانی

چون میشل فوکو؛ ژاک دریدا؛ میشل پشو؛ لاکلاو؛ موفه؛ فان دایک؛ فرکلاف^۷ وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و هم‌اکنون این روش به دلیل بین‌رشته‌ای بودن به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی^۸ استفاده می‌شود.

به صورت خاص در دهه ۱۹۶۰، فوکو گفتمان را در بستر فلسفه سیاسی مطرح کرد. در این نگرش، گفتمان نه تنها بزرگ‌تر از زبان است، بلکه حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد. مفهوم کلیدی در نظریه گفتمان فوکو حکم است که شکل زبان‌شناسانه ندارد و از نوع نشانه محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی کنش کلامی است که موجب تولید دانش می‌شود. فوکو گفتمان‌ها را در ارتباط با قدرت و دانش می‌سنجد و گفتمان‌های را بیانگر بخشی از ساختار قدرت در جامعه می‌داند.

در سال ۱۹۸۵، دو محقق به نام‌های ارنستو لاکلاو و شنتال موفه در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی* به بسط و تکمیل نظریه گفتمان فوکو در حوزه سیاسی اقدام کردند و آن را به مثابه روش تحلیل کارآمد در مطالعات سیاسی و اجتماعی به کار

۱. Michel Foucault

۲. Jacques Derrida

۳. Michel Pecheux

۴. Ernesto Laclau

۵. Chantal Mouffe

۶. Henry van Dyke

۷. Norman Fairclough

۸. critical linguistics

گرفتند که توانایی زیادی در توصیف و تبیین و تحلیل گفتمان‌ها دارد.

بر اساس این دیدگاه، گفتمان‌ها منظومه‌های معنایی هستند که در آن نشانه‌ها، با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، حول یک دال مرکزی هویت و معنا می‌یابند. از دیگر مؤلفه‌های این نوع تحلیل گفتمان تأکید بر لزوم شناخت دال‌های شناور در گفتمان‌ها، مفصل‌بندی آن‌ها، شناخت عناصر و وقته‌ها و غیریت‌سازی، قابلیت دسترسی و قابلیت اعتباریابی گفتمان‌هاست که براساس شناخت این مؤلفه‌ها می‌توان از یک‌سو توصیف و تحلیل مناسبی از چگونگی شکل‌گیری هر گفتمان ارائه کرد و از سوی دیگر چگونگی هژمونیک‌شدن گفتمان‌ها را تفسیر کرد. و حتی با استفاده از دال‌های خالی به آینده‌پژوهی اقدام کرد (Laclau & Mouffe, 1987: 98). به گفته این محققان، هر گفتمان در داخل به اجزایش معنای جدیدی می‌دهد و یا متقابلاً برای اینکه اشیا و فعالیت‌ها معنادار باشند، باید جزئی از یک گفتمان علمی باشند. این بدین معنا نیست که همه‌چیز گفتمانی و زبانی است، بلکه بدین معناست که اشیا برای اینکه قابل فهم باشند، باید به عنوان جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشند. مثلاً یک تکه‌سنگ را در نظر بگیرید، بسته به این زمینه خاص اجتماعی‌ای که در آن قرار گرفته، این سنگ می‌تواند به عنوان یک آجر برای ساختن خانه، یک پرتابه برای استفاده در جنگ، یک موضوع بسیار باارزش، یا یک «مشکوف» بسیار مهم از لحاظ باستان‌شناسی تصور شود. تمام معانی و هویت‌های متفاوتی که این قطعه مادی به خود گرفته به نوع خاص گفتمان

و شرایطی بستگی دارد که به آن معنا یا «هستی» می‌دهد (Ibid, 122). لاکلاو و موفه برای چنین مفهوم سازی از گفتمان با استفاده از نظریات فردینان دو سوسور، زبان‌شناس ساختارگرای سوئیسی (Saussure, 1983: 111)، مفهوم مفصل‌بندی را به کار می‌گیرند. به گفته آن‌ها، مفهوم مفصل‌بندی^۱ به معنای هر کنشی است که رابطه‌ای را میان عناصر گوناگون ایجاد کند، به گونه‌ای که هویت آن‌ها بر اثر این کنش تغییر کند. این مفهوم به عمل گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید اشاره دارد. در این مفصل‌بندی مفاهیم، استفاده از دال‌های شناور نقش مهمی دارد. آن‌ها تعیین‌کننده قواعد مسلطی هستند که هویت‌های گفتمان‌ها و فورم‌اسیون‌های اجتماعی را می‌سازند. این نمونه از رفتار^۲ سیاسی دو شرط دیگر را مفروض می‌پندارد: اول اینکه لازمه رفتارهای هرمونیک ترسیم مرزهای سیاسی است؛ به عبارت دیگر، باید کشمکشی میان نیروهای مخالف و جداسازی برخی از احتمالات در تأسیس هژمونی وجود داشته باشد. از این‌رو، رفتار هرمونیک اغلب شامل به‌کارگیری قدرت است، زیرا طی آن یک پروژه سیاسی می‌کوشد تا خواسته خود را بر دیگران تحمیل کند. دوم اینکه لازمه رفتارهای هرمونیک در دسترس بودن دلالت‌کننده‌های شناوری^۳ است که از سوی گفتمان‌های موجود تثبیت نشده‌اند و آن‌ها نقش مهمی در این پروسه دارند، زیرا به سبب در دسترس بودن این عناصر هدف

۱. articulation

۲. practice

۳. floating signifiers

رفتارهای هرژمونیک مفصل‌بندی آن عناصر در یک پروژه سیاسی در حال توسعه و در نتیجه معنابخشیدن به آنهاست. لاکلاو و موفه چنین استدلال می‌کنند که گفتمان‌ها از لحاظ تاریخی حدوثی و مشروط^۱ است و ساختاری سیاسی دارد. آنان با تأیید اولویت رفتارهای سیاسی در تشکیل هویت‌ها معتقدند که گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت‌ها میان «دوستان» و «دشمنان» تلاش می‌کنند تا هویت خویش را به دست آورند (Laclau & Mouffe, 1987: 122).

بر این اساس، هر گفتمان با مفصل‌بندی جدیدی از مفاهیم و با ایجاد مرزبندی با گفتمان‌های رقیب خود را در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاصی مطرح می‌سازد و با هرژمونیک‌شدن یک گفتمان آن گفتمان شکل معنابخشی به مفاهیم را در عرصه اجتماعی تعیین خواهد کرد.

لاکلاو و موفه همچنین از وجود مفاهیم مشترک و دال‌های شناوری هر گفتمان سخن می‌گویند که می‌توان با مفصل‌بندی و انتظام‌دادن به آنها معنای جدیدی از کلیت متن را به مخاطب منتقل کرد. و معتقدند که سرشت سیال زیان اجازه تثبیت کامل را نمی‌دهد و، در نتیجه، امکان استیلا و تسلط دائم و کامل یک گفتمان وجود ندارد. بر اثر فرایند تعدد و تکثیر معانی معنا همواره در معرض تغییر و تحول است. هر چند رویکرد لاکلاو و موفه تأثیرگذاری زیادی در ادبیات سیاسی و اجتماعی داشته و دارای ظرفیت خوبی در توصیف و تفسیر گفتمان‌هاست، قدرت

۱. contingent

تبیینی لازم را برای ارتباط بین لایه‌های مختلف زیرین و رویین متن ندارد.

اما یکی از مطرح‌ترین نظریات گفتمانی در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی را می‌توان نظریهٔ نورمن فرکلاف، با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی^۱ دانست و این رویکرد اکنون یکی از جامع‌ترین چهارچوب‌های تحلیل گفتمان انتقادی است.

وظیفهٔ گفتمان‌شناس انتقادی این است که پرده از روی صورت ظاهر متون زبانی بردارد و آنچه را که در پشت واژه‌ها، جمله‌ها، متن زبانی، خواه متون مطبوعات و خواه متون زبانی در سایر رسانه‌ها، از نگاه مردم مخفی مانده است بر آن‌ها آشکار سازد و آنچه را که طبیعی جلوه داده شده است طبیعی‌زدایی کند و با درک حقیقت در زندگی و در رقم‌زدن سرنوشت خویش تصمیم‌گیری کند. به عقیدهٔ تحلیلگران گفتمان انتقادی، هر متن متشکل از دو لایه است: لایهٔ زیرین و لایهٔ زبرین و وظیفهٔ زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایهٔ زیرین متن است. بنابراین، تحلیل گفتمان در پی کشف این مهم است که دریابد کارکردهای اجتماعی نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان چگونه در لایه‌های زبرین آن تصویرسازی یا بازنمایی می‌شوند. در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی بر این باور است که تحلیل دقیق متون باید به قسمت اصلی تحلیل علمی و اجتماعی کل ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. به هر حال، این نوع رویکرد به واقعیت یکی از رویکردهای پُرطرفدار در علوم انسانی و به‌خصوص در حوزهٔ علوم سیاسی است و بر این

۱. critical discourse analysis

اساس با استفاده از این بحث نظری در این پژوهش تلاش شده تا نوع مواجهه با جنبش‌های اسلامی در قالب رویکردی گفتمانی مورد مطالعه قرار گیرد. مبتنی بر این رویکرد نوع مواجهه تحت‌تأثیر نظام معنایی انقلاب اسلامی قرار دارد که در آن دال‌های شناور حول دال‌محوری مفصل‌بندی شده و در یک فضای تخا صمی نوعی نظام معنایی را شکل داده‌اند که در قالب این نظام معنایی نوع رویکرد و مواضع و رویکردها به جنبش‌های سیاسی اجتماعی در جهان اسلام شکل گرفته است و با شناخت عناصر این گفتمان می‌توان درک مناسب‌تری از لایه‌های زیرین این متون تولیدشده در خصوص جنبش‌ها به دست آورد.

۳.۱ روش پژوهش

تحلیل گفتمان در مطالعات سیاسی اجتماعی روش‌های مختلفی دارد که دیدگاه نورمن فرکلاف در مورد تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه روشی مطرح می‌شود که می‌توان از آن در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی استفاده کرد. فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد. این رویکرد اکنون یکی از جامع‌ترین چهارچوب‌های تحلیل گفتمان انتقادی است. الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف نشئت‌گرفته از رابطه و تعامل میان قدرت و زبان است. فرکلاف دو نوع قدرت و زبان را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از قدرت در زبان و قدرت در پشت زبان. او گفتمان را شامل متن و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معرفت‌های اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط‌اند: سطح اول، شرایط اجتماعی

یا محیط اجتماعی بلافصل^۱ که گفتمان در آن حادث شده است؛ سطح دوم، نهاد اجتماعی که گفتمان را در گستره‌ای وسیع در بر می‌گیرد؛ سطح سوم، جامعه به منزله یک کل. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: اول، گفتمان به مثابه متن؛ دوم، گفتمان به مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن؛ سوم، گفتمان به مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶-۱۶۸). از دید فرکلاف، ریشه تغییرات اقتصادی و اجتماعی به مقدار فراوانی در تغییرات زبان و گفتمان نهفته است. بدین معنی تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند با ارائه استدلال‌های نظری در مورد اینکه این دگرگونی‌ها چیستند، چگونه به وجود آمده‌اند و ممکن است به چه صورت درآیند و اینکه چه کسانی می‌توانند در این شرایط زندگی خود را بسازند یا بازسازی کنند ثمربخش و مفید واقع شود.

فرکلاف سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را برای تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند. قبل از این و برای ورود به چنین تحلیلی، یکی از مسائل مهمی که باید به آن پرداخت نحوه نمونه‌گیری از متن است که از میان متون به صورت گزینشی مواردی برای تحلیل انتخاب می‌شود. و دانش زمینه‌ای محقق است که نمونه معرف را تعیین می‌کند. در اینجا کمیت یا فراوانی واژگان و گزاره‌های خاص مطرح نیست، بلکه کیفیت کاربرد واژگان و گزاره‌ها در بستر زمان و مکان و شرایط اجتماعی مطرح است. محقق باید تمامی متون جامعه آماری را مطالعه و

۱. immediate

